

گفتگوی امام حسین(ع) با عمر بن سعد

گفتگوی امام حسین(ع) با عمر بن سعد ...

**گفتگوی امام حسین(ع) با عمر بن سعد**

امام حسین(ع) خواستار ملاقات خصوصی با عمر بن سعد، فرمانده سپاهیان عبیدالله بن زیاد و آخرین تلاش برای هدایت وی شد. پس از آن که به دستور کتبی عبیدالله بن زیاد، آب فرات بر روی امام حسین(ع) و یارانش بسته شد، وضعیت نگران کننده‌ای میان سپاه امام و عمر بن سعد پدید آمد که احتمال بروز جنگ و خونریزی را هر ساعت قویتر می‌کرد.

امام حسین(ع) خواستار ملاقات خصوصی با عمر بن سعد، فرمانده سپاهیان عبیدالله بن زیاد و آخرین تلاش برای هدایت وی شد. عمر بن سعد از پیشنهاد امام استقبال کرد و شب هشتم محرم، در خیمه‌ای میان دو لشکرگاه، تشکیل جلسه داده و تا پاسی از شب با هم گفتگو کردند. سپاهیان از متن گفتگوی آن دو بی‌خبر بودند، ولی همین مقدار می‌دانستند که آنان به توافق‌های تازه‌ای رسیده‌اند. در این ملاقات حضرت عباس و علی اکبر (ع) در کنار سیدالشهداء بودند.

عمر بن سعد، که حوادث کربلا را پی در پی برای عبیدالله گزارش می‌کرد، پس از ملاقات با امام حسین(ع) نامه‌ای رضایت بخش برای عبیدالله ارسال کرد و در آن، یادآور شد خداوند متعال، آتش جنگ ما را خاموش کرد. زیرا حسین بن علی(ع) هم اینک حاضر است از همان جایی که آمده است، برگردد و یا به سوی یکی از مرزهای کشور برود و بسان سایر مسلمانان زندگی کند. نه از او بر ضد ما و نه از ما بر ضد او چیزی در میان نباشد و یا به جانب شام نزد یزید بن معاویه رفته و اختلافش را با وی حل و فصل کند. ای عبیدالله، این پیشامد، هم می‌تواند موجب خرسندی تو و هم موجب اصلاح امت باشد.

مطالبی که عمر بن سعد در این نامه به آنها اشاره کرد، نه حقیقت بلکه برداشت‌های شخصی وی و یا مبالغه گویی‌اش برای آرام کردن عبیدالله بود، تا از این طریق زودتر غائله را پایان دهد و به حکومت ری دست یابد. زیرا امام حسین(ع) که با هدف امر به معروف و نهی از منکر اقدام به قیام بر علیه باطل کرده بود، هیچگاه به شخصی چون عمر بن سعد، چنین تعهدی نمی‌داد. شمر بن ذی الجوشن از این نامه برآشفته و اجازه نداد عبیدالله با پیشنهاد عمر بن سعد موافقت کند.

منابع:

بحارالانوار، جلد 44، ص 388

ارشاد(شیخ مفید)، جلد 2